

ویژه نامه ۱۹ دی

بسم الله الرحمن الرحيم

قم - قیام - ۱۹ دی

\*ز. رفیعی گزنی



مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی مهم و در خور توجه در قرن بیستم می باشد و این اهمیت به دلیل ویژگی های منحصر به فرد این انقلاب می باشد. پس از دستگیری و تبعید امام خمینی در سال ۱۳۴۲، در پیروزی انقلاب تأخیر پیش آمد، ولی هرگز یاد امام خمینی از دل مردم ایران بیرون نرفت. چاپ مقاله موهن در ۱۷ دی ۱۳۵۶ علیه امام موجب شد که مردم دوباره به میدان بیایند و حماسه ساز قیام ۱۹ دی گردند. سر کوبی این قیام نه تنها موجب توقف حرکت انقلابی نگردید، بلکه موجب شد تا مردم ایران با برگزاری چهلم های پی در پی، زمینه را برای نهضت امام خمینی فراهم سازند.

قم، شهر قیام است؛ شهری که انقلاب ۲۵ ساله مردم ایران از آن جا آغاز گردید و حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در هم کوبید. مقاله حاضر با این سؤال که هدف قیام ۱۹ دی چه بود و چه تأثیری در انقلاب اسلامی ایران داشت، به بررسی نقش

این قیام در پیروزی انقلاب می پردازد و اوج اعتراضات رژیم پهلوی را به تصویر می کشد و به عوامل پیدای و پنهان آن و تأثیرات به جای مانده از آن در شتاب پیروزی انقلاب اسلامی می پردازد.

مقاله حاضر در چهار فصل تهیه شده است:

فصل اول به تعریف انقلاب و ماهیت انقلاب اسلامی ایران و چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران می پردازد.

فصل دوم به عوامل زمینه ساز قیام ۱۹ دی سال ۱۳۵۶؛ به ویژه انتشار مقاله توهین آمیز علیه امام خمینی در روزنامه اطلاعات، می پردازد.

فصل سوم توصیفی از چگونگی قیام ۱۹ دی می باشد.

در فصل چهارم نتایج قیام ۱۹ دی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## فصل اول: انقلاب اسلامی ایران

### تعریف انقلاب

انقلاب در لغت به معنای برگشتن، بازگردیدن، برگشتگی و تغییر و تبدیل و تحویل و تغییر ماهیت، بازگرداندن، برگشتن از کاری و قیامی عمومی می باشد. (۱)

واژه انقلاب (Revolution) در آغاز، از اصطلاحات علم اخترشناسی بود و به معنای چرخش دورانی افلاک و بازگشت ستارگان به جای اول به کار می رفت.

گروهی از نویسندگان بر این باورند که تا پیش از انقلاب فرانسه، در پایان قرن ۱۸ میلادی، بازگشت به وضعیت مطلوب تجربه شده، انقلاب خوانده می شد. (۲)

صاحب نظران در این زمینه نظرات مختلفی را ارائه داده اند که چند مورد از آنها در این جا ذکر می شود:

۱. انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه یا یک سرزمین علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد نظامی مطلوب.

به بیان دیگر، انقلاب عبارت است از: عصیان و طغیان علیه وضع حاکم، به منظور استقرار وضعی دیگر. ریشه انقلاب دوچیز است: ۱. ناراضی و خشم از وضع موجود، ۲. آرمان یک وضع مطلوب. یعنی زمانی که مردم از احوال حاکم ناراضی و خشمگین باشند و وضع مطلوبی را آرزو کنند، زمینه انقلاب به وجود می آید، البته صرف ناراضی کافی نیست. اگر ناراضی ملت از دولت منجر به روحیه پرخاشگری و طرد و انکار شود، انقلاب رخ می دهد. (۳)

۲. درکی شهودی وجود دارد که بر اساس آن، اصطلاح «تحول انقلابی» مفهوم رخدادی ریشه ای را به ذهن متبادر می سازد که طی آن، قالب های کهن از میان رفته یا دست کم در حال جایگزین شدن با نگرش های جدید و غالباً تجربه نشده می باشد. (۴)

۳. ساموئل هانتینگتون انقلاب را عبارت از «تحولی سریع، اساسی و خشونت بار در ارزشها و اسطوره های حاکم جامعه و در نهادهای سیاسی، ساخت اجتماعی، رهبری و فعالیت و سیاست های حکومتی» می داند. بنابراین، در تعریف انقلاب به جز عنصر تحول در ساخت قدرت، عناصر ایدئولوژی و مشروعیت سیاسی، پایگاه اجتماعی گروه حاکم و اقدامات عملی دولت در تغییر ساخت جامعه در نظر گرفته می شود. به این معنا، انقلاب تنها دست به دست شدن قدرت از گروهی به گروه دیگر نیست، بلکه این گروه ها از نظر منشأ اجتماعی و ایدئولوژی و سیاست هایی که اتخاذ می کنند با یکدیگر تفاوت دارند. (۵)

در مجموع، انقلاب یک نوع دگرگونی و تغییر بنیادی در پذیرفتن ارزش ها است؛ چون با وقوع انقلاب، ارزش های نظام و حکومت گذشته رنگ می بازد و ارزش های نوینی جایگزین آن می گردد.

### ماهیت انقلاب اسلامی

در تفسیر و تحلیل انقلاب، این اتفاق نظر وجود دارد که به هر نوع تحول و جایگزینی در نظام های اجتماعی و نهادهای سیاسی انقلاب گفته نمی شود؛ بلکه انقلاب در آن گونه تحولات بنیادی و اصولی شکل می گیرد که جامعه از نظامی کهنه به نظامی نو تغییر شکل دهد. (۶)

در تفسیر و تحلیل انقلاب ها، عده ای معتقدند همه انقلاب های اجتماعی اگر چه در ظاهر ممکن است شکل های مختلف و متفاوتی داشته باشد؛ با این حال، روح و ماهیت همه اینها یک چیز بیشتر نیست، روح و ماهیت تمام انقلاب ها اقتصادی و مالی است. همچنین عده ای بر این باورند که تقسیم جامعه از نظر اجتماعی و اقتصادی به دو قطب محروم و مرفه، شرط ضروری پیدایش انقلاب نیست؛ بسا ممکن است انقلابی خصلت انسانی محض داشته باشد.

علاوه بر دونوع ماهیت بالا، انقلاب می تواند ماهیتی اعتقادی و ایدئولوژیک داشته باشد؛ بدین معنا که مردمی که به یک مکتب ایمان و اعتقاد دارند و به ارزش های معنوی آن مکتب، شدیداً وابسته هستند، وقتی مکتب خود را در معرض آسیب می بینند، دست به قیام می زنند. (۷)

شایان ذکر است که نخستین حلقه در فرآیند انقلابی ایران و بنیاد نهضت، «تحول روحی» - به تعبیر خاص امام قدس سره - یا انقلاب فرهنگی عمیق، گسترده و عظیمی است که طی دو دهه در مردم ایران روی داد. مردمی که دیندارند در مراتب معرفت دینی و در ایمان به اسلام فرا می روند. با تحول فرهنگی این جمعیت و اقشار تدین و ایمان چندان تعمیم می نماید که توان نیروهای اجتماعی به زبان حکام برهم می خورد. (۸)

در تفسیر و تحلیل انقلاب اسلامی ایران، گروهی معتقد به تفسیر تک عاملی هستند و می گویند تنها یک عامل در ایجاد این انقلاب دخیل بوده است. در مقابل این گروه، گروه دیگری قرار دارند که معتقدند این انقلاب تک عاملی نبوده، بلکه با همکاری و ائتلاف سه عامل [مادی و اقتصادی، آزادی خواهی، اعتقادی و معنوی] است که تداوم پیدا می کند و به ثمر می رسد. (۹)

مشخصه اصلی انقلاب اسلامی، شاخص های ویژه ای است که می توان در تعریف گونه زیر مورد مطالعه قرار داد. انقلاب اسلامی ایران عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه، و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان بینی و موازین و

ارزش های اسلام و نظام امت، و براساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده های مردم است.

در این تصویر کلی که از انقلاب اسلامی ارائه شد، نقش عمده ایمان و حرکت پیشگام متقیان و تئوری امامت و قیام قهرآمیز مردم در انقلاب، نشانگر ایدئولوژیکی بودن انقلاب اسلامی است. (۱۰)

انقلاب اسلامی ایران پیش از آن که ماهیتی مادی یا انسانی داشته باشد، ماهیت معنوی و اعتقادی دارد؛ چون مردم ایران در دهه ۵۰ نسبت به دهه های قبل از رفاه بیشتری برخوردار بودند، و اگر هدف اولیه، اقتصادی بود هیچ گاه رژیم دچار وحشت و تشویش نمی گردید. همچنین اگر مردم ایران فقط تقاضای آزادی های سیاسی و اجتماعی را داشتند رژیم می توانست با دادن چنین آزادی هایی جلوی قیام عمومی و انقلاب را بگیرد؛ در حالی که ماهیت انقلاب اسلامی ایران فراتر از این موارد است.

### چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران

در مجموع، چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی ایران را در موارد زیر می توان خلاصه نمود:

۱. نارضایتی عمیق از شرایط حاکم با شاخص هایی مانند خستگی و تنفر مردم از وعده تکراری و دروغین رسیدن به دروازه های تمدن بزرگ شاه.

۲. گسترش و پذیرش اندیشه و ایدئولوژی جدید جایگزین در انقلاب اسلامی با شاخص شعارهای انقلابیان در بیان آرمان های جدید و بی توجهی همگانی به شعارهای گروه های غیر اسلامی، به رغم تبلیغات گسترده آنها، قابل مشاهده بود... از سوی دیگر، جمعیت پذیرنده آرمان های انقلاب اسلامی نیز، برخلاف سایر انقلابهای معاصر، بسیار بود....

۳. در وقوع انقلاب اسلامی، وجود نوعی رهبری ویژه همراه با ساختارهای خاص نقش آفرین مانند نهاد روحانیت، شبکه مساجد و انجمن های اسلامی نیز آشکار بود....

۴. روحیه انقلابی در انقلاب اسلامی با شاخص هایی مانند عدم تسلیم انقلابیان در برابر اقدامات رفرمیستی شاه (مانند تغییر نخست وزیران، آزادی زندانیان سیاسی و آزادی های کنترل شده مطبوعات) و بی توجهی آنان به اقدامات سرکوب گرانه (مانند حکومت نظامی و...) مشخص می شود. (۱۱)

انقلاب اسلامی ایران به اعتراف بسیاری، یک انقلاب مخصوص به خود است؛ یعنی برای آن نظیری نمی توان یافت.

قیام ۱۹ دی، قیامی بود که با داشتن شرایط بالا توانست نقطه عطف و آغازی برای تسریع حرکت انقلاب باشد و سبب گردد تا خواسته های درونی مردمی آشکار گردد و انقلاب اسلامی مردم بعد از یک سال به پیروزی برسد.

## فصل دوم: علل قیام ۱۹ دی

درباره زمان شروع بحرانی که سرانجام به انقلاب اسلامی منجر گردید، توافقی به چشم نمی خورد.

گروه های مخالف رژیم پهلوی با رهیافت خاصی که نسبت به انقلاب دارند، مقطع خاص یا جریان ویژه ای را به عنوان نقطه شروع انقلاب ترسیم کرده اند. جبهه ملی، نقطه شروع را خرداد سال ۱۳۵۶ می داند؛ زمانی که سه نفر از رهبران وقت جبهه ملی نامه ای سرگشاده خطاب به شاه انتشار دادند. حزب توده نیز فروردین ۱۳۵۶ که در آن چند فقره اعتصاب کارگری صورت پذیرفت و زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زدند، نقطه شروع می داند. چریک های فدایی خلق بر روی مبارزات خارج از محدوده با شهرداری و عوامل انتظامی در تابستان همان سال، به عنوان اولین جرقه انقلاب تاکید می کنند. مخالفان مذهبی رژیم، فوت مشکوک و ناگهانی سید مصطفی خمینی - فرزند امام - در آبان ۱۳۵۶ یا درج مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات درباره امام خمینی در دی ماه این سال را به عنوان نقطه شروع انقلاب قلمداد می کنند. (۱۲)

با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب و روند رویدادهای نهضت امام خمینی قدس سره از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به بعد، باید گفت عامل برافروزنده مشعل انقلاب و شتاب دهنده نهضت، مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» بود. افزون بر این، اکثریت قریب به اتفاق مردمی که در انقلاب شرکت داشتند از حوادثی که گروه های غیر مذهبی نقطه شروع انقلاب می دانند، آگاه نبودند؛ ولی همگی ماجرای مقاله توهین آمیز را می دانستند. (۱۳)

شاه برای گروه های چریکی که گاه دست به عملیات تروریستی می زدند یا گروه های روشنفکری که اغلب با لحن تمسخرآمیزی از آنها سخن می گفت، اهمیت زیادی قائل نبود و از میان نیروهای مخالف تنها از آیه الله خمینی واهمه داشت. (۱۴)

می توان قیام ۱۹ دی را نقطه عطف انقلاب به حساب آورد؛ زیرا حوادثی که قبل و بعد از آن رخ داد و این روز را ماندگار نمود، بعد از خرداد ۱۳۴۲ سابقه نداشت. برای شناسایی بهتر قیام باید به مهم ترین علت آن، یعنی انتشار مقاله توهین آمیز علیه امام، مشروحاً پرداخته شود.

#### الف) انتشار مقاله توهین آمیز در روزنامه اطلاعات

زامداری آموزگار، سر آغاز تغییراتی در سیاست های داخلی ایران بود. در دوره نخست وزیری هویدا، اختناق شدید در جامعه وجود داشت. این اختناق و سرکوب در مطبوعات هم وجود داشت؛ به طوری که مطالبی که مورد رضایت دولت و حکومت نبود سانسور می شد.

محمدرضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ می نویسد: «جمشید آموزگار» به صداقت و درستکاری شهرت داشت و علاوه بر این، دبیر کل حزب رستاخیز بود و می توانست از پشتیبانی آن برخوردار شود... اما هویدا جداً خسته شده بود و خود نیز بی علاقه نبود که اندکی از مسئولیت رهبری امور دولت دور شود. برای این که اعتماد و اطمینان خود را نسبت به هویدا نشان داده باشم، وی را به وزارت دربار شاهنشاهی منصوب کردم که در این سمت می توانست هم طرف مشورت قرار گیرد و هم هر روز با من ملاقات داشته باشد. از ابتدای تشکیل دولت آموزگار، بر ضرورت سیاست آزاد سازی سیاسی، به شرط آن که موجب تخریب کشور نشود، تاکید کردم. (۱۵)

با نخست وزیری جمشید آموزگار و بر کناری هویدا، داریوش همایون به وزارت اطلاعات و جهانگردی منصوب شد. داریوش همایون در آغاز کار، جهت موجه جلوه دادن خود نزد مطبوعات، سیاست سانسور قبل از چاپ نشریات را کنار گذاشت؛ اما با اتخاذ سیاست خود سانسوری کار را بر نشریات مشکل ساخت. داریوش همایون در زمان وزارتش، مقالاتی را به اجبار جهت چاپ در اختیار نشریات می گذاشت که این امر اسباب ناراحتی عده ای را فراهم کرده بود. (۱۶)

مقاله ای در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به قلم احمد رشیدی مطلق، که در آن صریحاً به آیه الله العظمی خمینی اهانت شده بود، به روزنامه اطلاعات داده شده، در مقاله آمده بود «تنها خمینی به دولت و قوانین و انقلاب که همه با اسلام همراه است، به تحریک مالکین به مخالفت برخاست!...» (۱۷)

برخی نویسندگان - از جمله محمود طلعی و اسکندر دلد - ضمن مقصر دانستن داریوش همایون، مقصر اصلی را هویدا می دانند.

هویدا با انتشار مقاله توهین آمیز نسبت به آیه الله خمینی در روزنامه اطلاعات، کاری ترین زهر خود را به حکومت آموزگار ریخت؛ غافل از این که اگر آموزگار با این کار مسند قدرت را از دست بدهد، او جانش را بر سر آن خواهد گذاشت. مقاله از طریق وزارت اطلاعات کابینه آموزگار، بدون این که نخست وزیر از مضمون آن اطلاع داشته باشد، به روزنامه اطلاعات ارسال شد. (۱۸)

علی باستان، سردبیر وقت روزنامه اطلاعات، می گوید: «همایون، پاکت را که علامت وزارت دربار روی آن بود و یادداشت ضمیمه مقاله را برداشت و اصل مقاله را به من داد و گفت این مقاله حتماً باید در جای مناسبی چاپ شود. مقاله در هیئت تحریریه اطلاعات طوفانی به پا می کند و اعضای هیئت تحریریه از فرهاد مسعودی، سرپرست روزنامه، می خواهند که برای جلوگیری از چاپ آن در روزنامه به نخست وزیر متوسل بشود؛ ولی بعد از تماس با شاه مطلع می شود که مقاله به دستور خود شاه تهیه شده و اعلیحضرت اصرار دارند که مقاله قبل از مسافرتشان به مصر در روزنامه چاپ شود» (۱۹)

داریوش همایون پس از گذشت یک دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، در مصاحبه با رادیو بی بی سی، در این باره می گوید: «مقاله از وزارت دربار سرچشمه گرفت... و مقاله ارتباط با ساواک نداشت. خود شاه شخصاً در آن سهم داشت. تعیین کرد به همین شکل که کسی اصلاً جرات نمی کرد همچنین چیزی در ایران بنویسد و چاپ نکند... فراموش هم نباید کرد که آن مقاله پنج - شش روز، چهار - پنج روز بعد از دیدار کارتر از تهران منتشر شد. کارتر، قوت قلبی به شاه داد که برایش قابل تصور نبود.» (۲۰)

در اواسط دی سال ۱۳۵۶ که پاکت مهمور به مهر دربار از دفتر هویدا - وزیر دربار شاه - خارج می شد کسی از کارگزاران رژیم گمان نمی برد که این نامه مانند آتش به دامن رژیم شاه بیفتد و آن را برای همیشه در این کشور بسوزاند.

«مدتی بود که شاه و مقامات دولتی از پخش نوارهای آیه الله خمینی و تاثیر فزاینده آن در ایجاد تشنج و هیجان عمومی، احساس نگرانی می کردند. در اوائل ژانویه تصمیم گرفته شد که برای بی اعتبار کردن [آیت الله] خمینی مطالبی علیه او نوشته شود... این که چه کسی این تصمیم را گرفت اهمیت ندارد، روشی که برای اعمال این نظریه به کار گرفته شد بسیار نابخردانه بود و من تصور می کنم اگر در آن شرایط علم وزیر دربار بود و با دکتر اقبال مورد مشورت قرار می گرفت از ارتکاب چنین خطای بزرگی جلوگیری می شد...» (۲۱)

نیکی آر کدی معتقد است: «به حسب گزارشات موجود، به دستور شاه، مقاله ای در روزنامه نیمه رسمی اطلاعات چاپ شد که در آن به شدت به آیت الله خمینی حمله و توهین شده بود. مقاله مزبور از داریوش همایون، وزیر اطلاعات، سرمنشاء گرفته بود. او یکی از دانشجویان مخالف شاه در رژیم گذشته بود که بعدها در رژیم ترقی بسیار کرد. دست زدن به چنین افتزایی نشان می داد که رژیم تا چه حد در صدد بدنام کردن و بی اعتبار ساختن آیت الله خمینی است؛ اما حوادث بعدی نشان داد که این عمل از سوء محاسبه های بسیار وخیم بوده است...» (۲۲)



روزنامه اطلاعات به سردبیری عباس مسعودی، که به عنوان یک روزنامه سرسپرده به دربار شهرت داشت، این مقاله را چاپ کرد. بلافاصله پس از انتشار روزنامه و اطلاع مردم از آن مقاله واکنش علیه رژیم ظاهر شد. جمع آوری، پاره کردن و آتش زدن روزنامه اطلاعات و دادن شعار از طرف مردم گسترش یافت. در قم این حرکت گسترده تر و حادثه بود. (۲۳)

در مجموع، حکومت پهلوی در ارزیابی توانمندی و قدرت مخالفان مذهبی خود دچار اشتباه بزرگ و غیر قابل جبرانی گردید؛ اشتباهی که نابودی رژیم پهلوی را در پی داشت. هیچ مدرکی در دست نیست که ثابت کند نویسنده اصلی مقاله چه کسی بوده، ولی آن چه مسلم است در دورانی که اختناق شدید در سطح جامعه وجود داشته است هیچ کس این اجازه را به خود نمی داده تا بدون کسب اجازه از شاه و جلب رضایت او دست به چنین کاری بزند.

بسیاری از نویسندگان و کارشناسان، جرقه اصلی و اولیه انقلاب را نگارش «مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه» می دانند. ذکر دو مورد زیر بیانگر این ادعا است:

«اولین جرقه انقلاب در روز نهم ژانویه سال ۱۹۷۸م، فقط هشت روز پس از عزیمت کارتر از ایران، روشن شد. این جرقه، مقاله توهین آمیزی بود که به دستور داریوش همایون - وزیر اطلاعات وقت - علیه آیت الله خمینی در یکی از روزنامه های مهم تهران منتشر شد. طلاب علوم دینی و اهالی شهر مقدس مذهبی قم به عنوان اعتراض به این مقاله، دست به تظاهرات زدند. (۲۴)

«در ۷ ژانویه، روزنامه نیمه رسمی اطلاعات، مقاله ای علیه [امام] خمینی منتشر کرد که به دنبال آن یاران امام خمینی در پاسخ، تظاهرات بزرگی در شهر مقدس قم سازمان دادند» (۲۵)

بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران، انتشار مقاله موهن علیه امام قدس سره را مهم ترین عامل قیام ۱۹ دی می دانند؛ ولی ویلیام سولیوان - سفیر آمریکا در ایران - که موقع بروز این حوادث خارج از ایران به سر می برد، علت قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ را چنین عنوان می کند: «جوش و خروشی که در شهر قم وجود داشت با تظاهراتی که در فوریه سال ۱۹۷۸ در شهر برپا شد، به نقطه اوج خود رسید» (۲۶).

سولیوان، عمداً یا سهواً به مقاله ای که موجب این تظاهرات شد اشاره ای نمی کند؛ در صورتی که هر جنبش و جوش و خروشی احتیاج به یک علت و انگیزه دارد؛ چگونه ممکن است «جوش و خروش شهر قم» بدون هیچ دلیل و انگیزه به «نقطه اوج» برسد.

انتشار مقاله علل مختلفی می تواند داشته باشد:

۱. شهادت آیت الله مصطفی خمینی؛

۲. ایجاد فضای باز سیاسی؛

۳. راهپیمایی زنان چادری در مشهد؛

۴. ورود دبیر کل سازمان ملل به ایران؛

۵. منزوی ساختن امام خمینی و به حاشیه راندن ایشان.

با این توضیحات، لازم است به علل انتشار مقاله به صورت مشروح پرداخته شود:

## ۱. شهادت آیت الله مصطفی خمینی

رحلت مشکوک آیه الله مصطفی خمینی، فرزند امام خمینی قدس سره، در آبان ۱۳۵۶ شتاب خاصی به حرکت انقلاب اسلامی بخشید که می توان موج برخاسته از آن را به عنوان آغاز قیام عمومی مردم دانست. مجالس یاد بود متعددی در سرتاسر کشور برگزار شد و در پی هریک از این مجالس تظاهرات گسترده ای علیه رژیم شاهبه راه افتاد و بار دیگر امام قدس سره به عنوان رهبر حرکت اسلامی در جامعه مطرح گردید. (۲۷)

نیکی. آر. کدی در کتاب ریشه های انقلاب ایران چنین می نویسد: «مرگ پسر آیه الله خمینی، مصطفی، که در ماه اکتبر سال ۱۹۷۷ میلادی (مهر ماه ۱۳۵۶) شمسی در عراق اتفاق افتاد و بسیاری آن را کار ساواک می پنداشتند، بر مخالفت ها افزود» (۲۸)

## ۲. ایجاد فضای باز سیاسی

«به دنبال پیروزی دمکرات های کاخ سفید در دهه ۱۳۵۰ [شمسی] فضای سیاسی ایران نیز متأثر و اندکی از سایه سنگین سکوت بر مطبوعات کشور کاسته شد. در پی این امر، در تابستان ۵۶ حدود چهل تن از نویسندگان، روزنامه نگاران و روشنفکران طی نامه ای به محمد رضا پهلوی پاره ای از عملکردهای رژیم را مورد انتقاد قرار داده و خواستار لغو سانسور و ایجاد فضای باز سیاسی شدند. این امر باعث شد تا نظارت سازمان امنیت بر تحریریه ها تشدید شود.» (۲۹)

طرح فضای باز سیاسی قبل از این که از سوی نویسندگان مطرح شود، از طرف کارتر به شاه پیشنهاد شد. «پرزیدنت کارتر در سال اول ریاست جمهوری خود، بیش از چهل تن از سران کشورها را در کاخ سفید ملاقات کرد که دیدار شاه یکی از خاطره انگیزترین آنها بود. در نخستین ملاقات رسمی آنها در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۷، شاه در حدود یک ساعت بدون مراجعه به نوشته، درباره مسایل بین المللی و اهمیت اقتصادی و سوق الجیشی ایران برای آمریکا و جهان سخن گفت که در نوع خود شاهکاری به شمار می آمد... در پایان این جلسه، کارتر از شاه خواست که همراه او به اتاق کار خصوصی که در جنب اتاق کابینه قرار داشت بروند و در این دیدار خصوصی بود که نگرانی های خود را از عدم رعایت حقوق بشر در ایران با شاه در میان گذاشت و از او خواست که اقداماتی در جهت استقرار دمکراسی و آزادی های فردی در ایران به عمل آورد. در این مذاکرات، جز خود کارتر و شاه کسی حضور نداشت، ولی کارتر بعداً جریان گفت گوهای خود را با شاه برای من (هامیلتون جردن، رئیس ستاد کاخ سفید) شرح داد و گفت خوشبختانه شاه آمادگی زیادی برای پذیرش توصیه های او نشان داده و گفته است خود او هم در صدد اجرای برنامه هایی در جهت استقرار دمکراسی در ایران بوده و در باره تامین حقوق بشر و آزادی های فردی هم اقدامات بیش تری صورت خواهد گرفت.» (۳۰)

شاه سعی می کرد به مردم ایران و آمریکایی ها بگوید که طرح فضای باز سیاسی، به ابتکار خود او در اوائل سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) و مستقل از هر فشاری از طرف ایالت متحده آغاز شده است... در واقع، اقداماتی که شاه برای اجرای طرح فضاییاز سیاسی خود انجام داد تا نخستین ماه های سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) آشکار نشد؛ اما حتی اگر شاه طرح فضای باز سیاسی خود را در سال ۱۹۷۶ هم آغاز کرده باشدمی توان آن را واکنشی در قبال فشارهای وارده از سوی ایالات متحده به شمار آورد، زیرا در سال ۱۹۷۶ نیز هیچ رهبر معروفی در جهان شاید باستثنای لئونید برژنف، به اندازه شاه در میان مردم آمریکا و یا لاقبل بخش عمده روشنفکران آمریکایی فاقد محبوبیت نبود، و هیچ رژیم در جهان به اندازه رژیم ایران براینقض حقوق بشر مورد انتقاد قرار نمی گرفت. به رغم ادعاهای شاه در سراسر دوران انقلاب مبنی بر آن که برنامه فضای باز سیاسی، ابتکار خود او بوده است، شواهد فراوانی در دست است - از خود شاه - که نشان می دهد این برنامه واکنشی در برابر فشارهای خارجی بوده است. شاه در اوائل اعلام مبارزه برای فضای باز سیاسی با شکوه، به یکی از نزدیکان خود گفت: آنها فضای باز سیاسی



می خواهند من به آنها خواهم داد. آنقدر بندها را شل خواهم کرد که آمریکایی ها از من خواهش کنند بار دیگر آن را سفت کنم. (۳۱)

ساویروس، وزیر خارجه کابینه کارتر، نیز بر این امر که فضای باز سیاسی و رعایت حقوق بشر مطلوب دولت آمریکا بوده است، تاکید دارد: «من در روز سیزدهم مه ۱۹۷۷ در کاخ نیاوران با شاه ملاقات کردم... در پایان گفتگوهایم باشاه، حساس ترین موضوع یعنی مساله حقوق بشر را مطرح کردم و گفتم که احترام به حقوق بشر نه فقط دارای ارزش و اهمیت سنتی در آمریکا بوده و منعکس کننده آرمان ملی ماست، بلکه یک اصل شناخته شده بین المللی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد نیز منعکس شده و پرزیدنت کارتر آن را به عنوان یکی از عناصر اصلی سیاست خارجی آمریکا می شناسد. من تاکید کردم که رئیس جمهوری خود را در این امر متعهد کرده و احترام به حقوق بشر در روابط آمریکا با کليه كشورها مورد توجه قرار خواهد گرفت.» (۳۲)

کارتر در روزهای ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷ و اول ژانویه ۱۹۷۸ در بین راه مسافرتش به اروپا و هند، دیدار کوتاهی از تهران به عمل آورد... در جریان همین سفر بود که کارتر طی نطقی در سرمیز شام، ایران را جزیره ثبات خواند. (۳۳) کارتر در جریان این سفر، به نحو بسیار مبالغه آمیزی شاه را ستایش نمود، ویلیام شوکراس در «آخرین سفر شاه» چنین می نویسد: «پرزیدنت کارتر شب سال نو ۷۸ - ۱۹۷۷ را با او گذرانده و به نحو مبالغه آمیزی او را ستوده بود. آن گاه شاه دستور انتشار مقاله توهین آمیزی به دشمن روحانی اش، آیه الله خمینی، را صادر کرده بود. در میان شگفتی عمومی، این کار سیل اعتراضات و تلخی ها را به سوی رژیم او سرازیر ساخت و دورانی از تظاهرات و کشتارها و عزاداری ها و کشتارهای بیشتر را در طول بهار و تابستان آن سال آغاز کرد.» (۳۴)

شاه با ایجاد بلوا و آشوب می خواست به جامعه جهانی، به خصوص به دولت آمریکا بفهماند که مردم ایران ظرفیت پذیرش فضای باز سیاسی را ندارند. چند روز بعد از عزیمت کارتر از ایران، دولت به طور غیر عمد، فتیله باروتی را که به انفجاری عظیم انجامید، روشن کرد؛ انفجاری که یک سال بعد سلطنت خاندان پهلوی و همه آن چه را که به اتکای او در ایران به جای مانده بود، سرنگون ساخت. (۳۵)

### ۳. راهپیمایی زنان چادری مشهد

یکی از علل دیگر انتشار مقاله روزنامه اطلاعات، این بود که «به شاه خبر داده بودند بانوان با حجاب و زنان چادری بنا دارند روز ۱۷ دی در مشهد و تهران تظاهراتی بر ضد بی حجابی به راه اندازند و شاه نیز با توجه به تمامی جهات یاد شده، می خواست کاری کند که خشم روحانیون را برانگیزد و بهانه ای برای سرکوبی آن ها به دست آورد» (۳۶).

«چند روز قبل از این جریان (انتشار مقاله علیه امام خمینی) برای اولین بار، زنان در مشهد به عنوان اعتراض به روز ۱۷ دی (سالروز کشف حجاب) راهپیمایی می کنند. آنها ضمن راه پیمایی از محلی که در آن جا درس می خواندند و تجمع داشتند با پلیس درگیر می شوند و این حرکت تشویقی می شود که در جریانات بعدی خانم ها شرکت می کنند و به حرکت های انقلابی دامن می زنند.» (۳۷)

روز ۱۷ دی برای انتشار مقاله انتخاب شد تا مطبوعات داخلی و خارجی، اعتراض عمومی مردم را نوعی کهنه پرستی وانمود سازند و طوری القا کنند که روحانیت با آزادی زنان مخالف است.

#### ۴. ورود دبیر کل سازمان ملل به ایران

در روز نوزدهم دی ماه، شاه عازم مصر شد. مهم ترین مساله در دستور کار کنفرانس امروز سران ایران و مصر، بررسی تحولات منطقه خاورمیانه بعد از کارتر است. (۳۸) در روز بیستم دی ماه، کورت والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد وارد تهران شد. (۳۹) کاملاً پیدا بود که رژیم می خواست به موازات ورود دبیر کل سازمان ملل به ایران، جهت تحقیق و تهیه گزارش از اوضاع جاری کشور، با نوشتن چنین مهملات و کلمات زنده ای، شورشی برپا کند و آب را گل آلود سازد تا بتواند ماهی مقصود را از آب بگیرد. (۴۰)

#### ۵. منزوی ساختن امام خمینی (قدس سره)

«شاه دستور نگارش «ایران و استعمار سرخ و سیاه» را در حالی داده بود کهپیش از آن، مضامینش را در گفت و گو با خبرنگار یک مجله آمریکایی بیان کرده بود، اما گزارشی از عراق در این باره که آیه الله خمینی در رساله عملیه خودسلطنت را غیر شرعی اعلام کرده و این نظر در چاپ جدیدی از توضیح المسائل ایشان منتشر شده است، خشم شاه را به آن حد برانگیخت که دستور نگارش این مقاله را داد.» (۴۱)

از زمان انتشار مقاله رشیدی مطلق، پیوسته در ایران و بین طبقات مختلف، این بحث وجود داشت که آیا رژیم آگاهانه و با اطلاع از عواقب کار، این مقاله را منتشر نموده یا انتشار مقاله تنها برای تحقیر و منزوی ساختن امام بود. به عبارت دیگر، آیا محاسبات دستگاه های امنیتی وقوع عکس العمل شدید مردم را پیش بینی کرده بود و رژیم قصد داشت با سر کوبی عمومی، دوران اختناق را تجدید نماید و نتیجه ای همچون ۱۵ خرداد ۴۲ به دست آورد؟ موافقین این نظر به استدلال ادامه می دهند و می گویند فضای باز سیاسی به شاه تحمیل شده بود و او باید خود را به ترتیبی از قید آن آزاد می ساخت. باید آمریکا را قانع می کرد که ایران هنوز بلوغ سیاسی پیدا نکرده و اگر اختناق استبداد تعدیل پیدا کند متعصبین مرتجع محیط سالم را به هرج و مرج تبدیل خواهند ساخت. لذا رژیم از طریق مقاله ایجاد بلوا و آشوبی را تدارک دیده بود... و اما وسعت نتایج کنترل را از دست رژیم خارج ساخت. هرچند این نظر و استدلال را نمی توان نادیده گرفت... لیکن به صورت مطلق هم نمی توان آن را پذیرفت. مقاله کذایی می تواند این استدلال را هم داشته باشد که تجلیل از خمینی باید کاهش می یافت و چون با زد و بند و تهدید و ارباب مردم، زمینه مساعدتر می ساخت، درصدد برآمدند برنامه طولانی و مستمری در تحقیر امام خمینی رحمه الله علیه داشته باشند و کم کم با بدنامی و آلوده کردن و تهمت و افترا، شخص اول روحانیت را منزوی سازند و مقاله ۱۷ دی اولین گام آزمایشی بود... (۴۲)

با توجه به موارد یاد شده، چنین می توان نتیجه گرفت که رژیم با این مقاله تحریک آمیز و اهانت به مقام روحانیت خواسته بود با یک تیر چند نشان بزند: اولاً «مردم، به خصوص حوزه علمیه قم، را وادار به عکس العمل کند تا او نقشه خود را پیاده نماید. دوم این که، قیام اصیل روحانیون و بالخصوص امام خمینی را با چیزهای دیگر آلوده سازد که کوچکترین تناسبی نداشت. سوم این که، موضوع را با روز ۱۷ دی مربوط سازد، تا هر گونه عکس العمل روحانیون را به حساب مخالفت با آزادی زن و دادن حقوق مساوی به زنان ایران وانمود کند. [عامل دیگری که باعث نوشتن مقاله مزبور شد این بود که در مراسم سوگواری آیت الله زاده [امام] خمینی در تهران و قم و سایر شهرستان های کشور، پس از چند سال، بار دیگر اهل منبر و روحانیون با خطابه ها و اعلامیه ها و قطعنامه های خود، علناً رژیم را مورد انتقاد قرار دادند و شخص شاه را عامل تمامی مصائب و حوادث دردناکی دانستند که در ۱۵ سال گذشته به وقوع پیوسته بود.» (۴۳)

#### ب) سیاست ریاضت اقتصادی آموزگار

پس از دوران طولانی ولخرجی و ریخت پاش، آموزگار سیاست ریاضت اقتصادی را در پیش گرفت و سرمایه گذاری در طرح های صنعتی را محدود کرد و شرایط سهل اعتباری را که از سویی موجب سرعت گردش کارها و از سوی دیگر موجب تورم فزاینده ای شده بود، از میان برداشت... برگشت از سیاست اقتصادی گذشته به قدری خشن، سریع و ناگهانی بود که بازرگانان و صاحبان صنایع و به طور کلی جامعه اقتصادی ایران را شوکه کرد و واکنش های نامطلوبی به بار آورد. تجار بازاری که گردش کارشان بیش تر براساس اعتبارات بانکی بود، بیش از همه از تدابیر اقتصادی جدید دولت صدمه دیدند و زبان به اعتراض گشودند. این دو عامل، یعنی مقاله توهین آمیز در روزنامه به عنوان اصل، و سیاست جدید دولت در مورد بازرگانان به عنوان فرع، در به حرکت در آوردن جامعه روحانیت ایران و پیوستن بازار به آنان، انگیزه های بسیار قوی و نیرومندی می باشند. لذا جنبش از هرگونه انگ و آلودگی و چیزهای که شاه ادعا می کرد، مبرا است؛ زیرا این حرکت از ابتدا حرکتی اصیل بوده و دنباله حرکت های گاه کند یا سریع یا نهفته یا آشکار خود جوش مردم سرچشمه گرفته، نمی تواند خلق الساعه باشد. نهضت با رهبری و رسیدن نامه «آیت الله خمینی» روند و جان تازه ای می گیرد و مرزی را که رژیم برای بهره برداری از آن در نظر داشت در می نوردد و بسیار فراتر می رود. (۴۴)

### ج) دوام گفتمان مبارزه

قیام ۱۹ دی سال ۱۳۵۶ به یک معنا، محصول مداومت گفتمان مبارزه بودهاست. کسانی که در قیام ۱۹ دی حضور فعال و آگاهانه داشته اند بارها چنین واقعه ایرا مشاهده نموده اند. حرکت های انقلابی امام در سال های ۱۳۴۱ - ۱۳۴۳ و واقعه مهم خرداد ۵۴ و مبارزات مختلف شخصیت های انقلابی، نمونه های روشن آن است. اگر این رویکرد در اذهان انقلابی یاران امام باقی نمی ماند، هرگز ۱۹ دیرخ نمی داد.

### د) دوره سخت اختناق و سرکوب

آگاهان سیاسی معتقدند که با زور و سرنیزه می توان به حکومت دست یافت؛ اما نمی توان به حکومت ادامه داد. جو اختناق و حاکمیت استبداد و سرکوب و واهمه، علاوه بر آن که ادامه نهضت را با موانع سخت مواجه ساخته بود، باعث شد تا نیروهای مبارز و انقلابی راه های برون جست از این بحران را تعبیه نمایند. یکی از مهم ترین راه های تعبیه شده، بهره برداری از شرایط مقتضی بوده است... به طور کلی، گفتمان مبارز در شرایط سخت اختناق و سرکوب، جان نسپرد.

### ه) درگذشت مشکوک دکتر علی شریعتی

مرگ ناگهانی شریعتی، فضای مساعدی را فراهم ساخت تا مخالفان رژیم از آن فضا برای ابراز عقاید خود استفاده نمایند. به عبارتی، فوت وی باعث تحریک احساسات و عواطف انقلابیون شده بود و کمترین اثر این تحریک، آگاهی و تنبه بیشتر از اوضاع سیاسی بوده؛ اگر چه عامل مستقیم نبوده است. (۴۵)

با توجه به تمام مواردی که شرح آن گذشت، می توان چنین نتیجه گرفت که علت اساسی قیام مردم قم این بود که آنان به این نتیجه رسیده بودند که واقعاً حیثیت اسلام در خطر است. به عبارتی، کاسه صبر مردم لبریز شده بود و این موضوع سبب شد که همچون آتشفشان خاموش در موقع مناسب فوران نماید.

## فصل سوم: قیام ۱۹ دی

شنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ - شهر قم

«عصر امروز (شنبه ۱۷ دی ۱۳۵۶)، هنوز کامیون حامل روزنامه های اطلاعات برای قم و اصفهان از دروازه قم وارد نشده بود که مردم به آن هجوم بردند و در لحظه ای، روزنامه ها به آتش کشیده شد. قبلاً از تهران، خبر چاپ (مقاله روزنامه اطلاعات) به قم رسیده بود.» (۴۶)

یکی از ناظران وقایع قم چنین می گوید: «روز کشف حجاب بود... چیزی از نشر روزنامه نگذشته بود. شاید نیم ساعت طول نکشید که آقایان روحانیون متوجه شدند و با خواندن تیترو بقیه آن، توهین به حضرت امام را دیدند. روحانیان نتوانستند طاقت بیاورند، بنای اعتراض گذاشتند. روزنامه ها را پاره کردند، جمعیت جمع شدند و شعار دادند: مرگ بر اطلاعات، اطلاعات تعطیل باید گردد، درود بر خمینی، یا مرگ یا خمینی. به هر صورت پلیس دخالت کرد و مردم متفرق شدند؛ نه این که مساله خاتمه یافته باشد.» (۴۷)

یکشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۵۶ - شهر قم

در روز یکشنبه ۱۸ دی ۱۳۵۶، طلاب علوم دینی کلاس های درس را تعطیل کردند و مدرسه خان مرکز تجمع گردید. سپس دسته جمعی به سمت منزل آیات عظام حرکت کردند. آنها پس از تایید حرکت خود از طرف مراجع، در مسجد اعظم اجتماع نمودند.

بعد از ظهر، حدود ۲ هزار نفر از طلاب علوم دینی در مسجد اعظم شهر قم، اجتماع کرده و با برپایی تظاهرات، شعارهایی به طرفداری از روح الله خمینی دادند. در ساعت ۱۸ روز مذکور، به علت آغاز نماز جماعت مغرب و عشاء در مسجد اعظم طلاب علوم دینی از تظاهرات خودداری نمودند. پس از خاتمه نماز، شیخ مرتضی حائری یزدی برای حاضرین در مسجد سخنرانی کرد و گفت: در نظر است اقداماتی در این زمینه انجام دهیم. (۴۸)

روز ۱۸ دی، مردم و روحانیون به سمت منزل آیت الله گلپایگانی، آقای طباطبایی، آقای نوری و مکان هایی که تقریباً حساس بود می رفتند و آقایان هم استقبال می کردند و صحبت می کردند و مردم هم از صحبت های مفید و پرشور این آقایان قوت قلب می گرفتند. در روز ۱۸ دی، علاوه بر قم، در شهرهای دیگر از جمله نجف آباد، اصفهان، تبریز، آبادان و مشهد نیز تظاهرات اعتراض آمیزی نسبت به مقاله روزنامه اطلاعات برگزار شد. در شیراز، مردم در حالی که عکس های بزرگی از امام خمینی را حمل می کردند شعار می دادند: جلال، ننگت باد. در قزوین هم مردم تظاهرات نمودند؛ ولی تظاهراتی که در شهر قم صورت پذیرفت، در روز نوزده دی شدت یافت.

همانطور که می دانیم، مقرر شد روز ۱۸ دی کلیه درس های حوزه تعطیل شود و اعتراضات مردمی شکل بگیرد و روز ۱۹ دی مجدداً درس های اساتید و مراجع برگزار گردد تا آنان در پایان و آغاز درس ها، مجدداً مردم را از وضعیت آگاه کنند و به رژیم

اعتراض نمایند؛ اما یک تصمیم و اتفاق تازه، شرایط را کاملاً عوض کرد. از آن جا که بازار انقلابی و متدین قم در جریان اعتراضات روز ۱۸ دی قرار نگرفته بود و هماهنگی خاصی میان روحانیون و بازاریان به وجود نیامده بود، از این رو در هجدهم دی به تعطیلی مغازه ها اقدام نکرد و در تظاهرات طلاب و مردم و دانش آموزان شرکت نجست...بلاخره روز ۱۹ دی را تعطیل اعلام کرد... و گروهی از فعالان بازار با بزرگان حوزه تماس گرفتند تا فردا آنها نیز با بازاریان همراهی کنند.(۴۹)

### دوشنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ - شهر قم

در روز دوشنبه ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ چنان بازارها و مغازه ها حتی در تهران و به ویژه در قم تعطیل بود که انسان یاد روز عاشورا می افتاد. به علاوه، درس ها و نمازهای جماعت در مساجد و حرم، همه برای اعتراض به مقاله رشیدی مطلق تعطیل بود...صبح حدود ساعت ۸/۵ جمعیت به طرف منزل علامه طباطبایی به راه افتاد...ابتدا، آقای موسوی دامغانی بلندگو را گرفت و چند دقیقه صحبت کرد. سپس علامه با وجود کسالتی که داشتند حدود ۵ دقیقه بیاناتی فرمودند. بعد حدود ۲۰ دقیقه آقای یزدی صحبت کرد و در همین جلسه مشخص شد که به کجاها باید رفت. حدود ساعت ۱۰ قرار شد جمعیت، اول به مدرسه (الامام امیرالمؤمنین) مدرسه آیه الله مکارم شیرازی بروند.(۵۰)

جمعیت پس از سخنرانی آیت الله مکارم شیرازی، به سوی منزل آقای وحید خراسانی حرکت کردند. وقتی به منزل آیت الله وحید رسیدند، نزدیک ظهر بود. ابتدا، در منزل ایشان، آقای مروی (داماد آقای خزعلی) صحبت کرد...بعد آقای وحید خراسانی سخن گفتند. دیگر ظهر شده بود که جلسه تقریباً به آرامی تمام شد و جمعیت به طرف منزلشان رفتند، اما همان جا قرار گذاشتند که بعد از ظهر به منزل آیت الله نوری بروند.(۵۱)

آیت الله حسین نوری هم در سخنانی تند و انقلابی به سیاست های رژیم حمله کرد و از شخصیت امام و قیام ۱۵ خرداد و وقایع پس از آن تجلیل نمود. هنگام بازگشت جمعیت، در میدان شهدا(چهارراه فاطمی) مأمورین مسلح با ایجاد درگیری ساختگی، به روی راهپیمایان آتش گشودند.(۵۲)

با ورود جمعیت به خیابان صفائیه، پلیس مانع از حرکت آنها در خیابان شد و گفت از پیاده رو بروید. در این جا دو نفر از ماموران ساواک برای دادن بهانه به دست مزدوران رژیم، اقدام به شکستن شیشه یک بانک کردند. پلیس در پاسخ به این عمل، ابتدا با باتوم حمله کرد، سپس تیر هوایی شلیک کرد و بعد از آن مردم را مورد حمله قرار داد.

شکسته شدن شیشه، بهترین بهانه برای شروع نزاع و درگیری بود. بعد از شکستن شیشه بانک، تیراندازی شروع شد. عده ای از مردم به طرف مدرسه حجتیه می رفتند و داخل مدرسه می شدند. عده ای دیگر به کوچه ها و خیابانهای اطراف پناه بردند. اصغر کامکار - رئیس ساواک قم - خودش با کلت به طرف مدرسه تیراندازی می کرد. در مدرسه شعارهای زیادی علیه شاه داده شد.

عده ای به سمت حرم هجوم بردند و هرکس هرجایی را که می توانست به عنوان پناهگاه استفاده می نمود و از هر وسیله برای مقابله با ساواک بهره می برد. تیراندازی لحظه ای قطع نمی شد. خیلی از زخمی ها از ترس گرفتار شدن بعدی، به هر نحوی فرار می کردند. از جمله جاهایی که کشته ها را دیدند، کوچه آقازاده، کوچه پشت مسجد فاطمیه و سه راه آذر است. در همین کوچه ها، با خون بر دیوارها نوشته بودند: سلام بر خمینی، مقتل شهید. تیراندازی تا ساعت ۹ شب ادامه داشت.(۵۳)

تا پایان شب، مردم در مسجد اعظم به شعار دادن پرداختند. همچنین تا ساعاتی از نیمه شب، از نقاط مرکزی شهر قم صدای شعار دادن به گوش می رسید. به دلیل خارج شدن کنترل از دست پلیس، برای اولین بار پس از خرداد ۱۳۴۲ (سال ۱۹۶۳) نیروهای مسلح ارتش برای سرکوبی مردم وارد عمل شده بودند. تا آن زمان مردم هیچ گاه از شعار مرگ بر حکومت پهلوی استفاده ننموده بودند و این عمق کینه و نفرت مردم در این روز را نشان می دهد.

درگیری و کشمکش ها تا شب بیستم دی ماه ادامه یافت. بنابراین، رژیم در شب بیستم دی ماه حکومت نظامی اعلام نمود و شهر از نیروهای امنیتی مملو گردید و رفت و آمد در شهر به صورت گروهی را ممنوع نمود. جمعیت اگرچه ظاهراً آرام گرفتند و به خانه های خود بازگشتند، لیکن این سکوت و آرامش سر آغاز طوفان بزرگ بود.

تعداد کشته شدگان و مجروحان

تعداد شهیدان و مجروحان - بنا به اذعان بسیاری از صاحب نظران - هرگز معلوم نشد.

درباره مجروحان و کشته های قیام ۱۹ دی، نظرات مختلف ارائه شده است، از جمله:

۱. در تظاهرات امروز (۱۹ دی ۵۶) حدود ۱۵۰ نفر شهید شدند. (۵۴)

۲. کشته شدگان قم هرگز معلوم نشد. (۵۵)

۳. نیروهای امنیتی به تظاهر کنندگان حمله کردند. دست کم، ۷ نفر را کشتند و بیش از ۱۰۰ نفر را بازداشت کردند. (۵۶)

۴. در نتیجه [قیام] بین دو گروه بر خورد شدید روی داد که در عرض دو روز، به مرگ بیش از ۷۰ تن انجامید. این خونین ترین حادثه بعد از حوادث سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲ شمسی) بود. (۵۷)

۵. برای مقابله با این تظاهرات، پلیس خشونت معمول خود را به کاربرد و عده ای بر اثر اعمال خشونت از طرف پلیس کشته و زخمی شدند. (۵۸)

۶. چند تن از ملاها، کارگردانی طرح تخریب را به دست گرفتند و سر انجام اتحاد سرخ و سیاه، قطعیت یافت. نخستین اغتشاشات در شهر مقدس قم روی داد که طی آن، ۶ نفر به قتل رسیدند. (۵۹)

۷. بنا به گفته مطبوعات رژیم شاه و خبرگزاری پارس، در تظاهرات خونین هجدهم و نوزدهم دی ماه در شهر قم، ۹ نفر زخمی شده و ۶ نفر به شهادت رسیده اند. این منابع در توجیه کشتار مردم نوشتند: پلیس به بهانه شکسته شدن شیشه های چند مغازه و بانک و تخریب چند محل و هجوم عده ای به کالانتری، به سوی مردم آتش گشود. (۶۰)

۸. دو روز پس از انتشار مقاله روزنامه اطلاعات، یک راهپیمایی مذهبی در قم ترتیب داده شد. نیروهای پلیس با گشودن آتش، تعدادی از طلاب را به قتل رساندند. انقلاب آغاز شده بود. (۶۱)

شاه کوچک ترین ارزشی برای حقوق شهروندان قائل نبود. حقوق بشر برای او معنایی واهی و پوچ داشت و در واقع، تعداد کشته شدگان را با این همه اظهار نظر متفاوت نمی توان معین نمود. در این میان، آن چیزی که بسیار تکان دهنده است این که مأمورین درنده خوی گرگ صفت در مقابل مراجعه و تقاضای صاحبان جنازه ها، یا اجساد را تحویل نمی دادند یا شرط می



کردند که باید به تعداد هر گلوله ای که به بدن مقتولین اصابت نموده است، پانصد تومان بپردازند! تا جنازه را تحویل دهند، و کسان مقتولین تعهد بسپارند که بدون سروصدا آنها را در نقطه نامعلومی به خاک بسپارند!

## فصل چهارم: نتایج قیام ۱۹ دی

### ۱. واکنش ها و بازتاب ها

از مهم ترین نتایج قیام ۱۹ دی، واکنش های گروه های مختلف در برابر اینقضیه است.

معمولاً وقایع مهم سیاسی آن هم در شرایطی که هیچ کس تصور وقوع آن را ندارد، شدیداً در سطح جامعه و جهان بازتاب می یابد و عکس العمل نیروهای مخالف را بر می انگیزاند. واقعه مهم و سرنوشت ساز ۱۹ دی از وقایع حساس تاریخ انقلاب اسلامی بوده است که بازتاب ها و واکنش های متعددی در بر داشته است. یکی از راه های شناخت پدیده های تأثیر گذار تاریخی، سنجش و ارزیابی واکنش ها و بازتاب های آن است.

### الف. واکنش روحانیت

بنا به اظهارات آیه الله یزدی که در منزل آیه الله العظمی گلپایگانی ایراد گردید، سیاست های مراجع و علمای بزرگ بر این شده بود که طلاب و مردم مخالفت های خود را از طریق دیگری ادامه دهند و در این شرایط حساس از اقدامات علنی خودداری نمایند. بدین طریق از ایجاد قتل عام عمومی و بحران جدید بر سر راه نهضت اسلامی جلوگیری شد. از طرفی، هریک از مراجع و علمای بزرگ حوزه، اقدام جنایتکارانه رژیم و کشتار مردم متدین قم و طلاب مبارز را محکوم ساختند... علما و اساتید و مدرسین حوزه قم نیز در نامه ها و اعلامیه های مشترک، رژیم را محکوم ساختند و اقدام طلاب و مردم را در دفاع از کیان اسلام و حیثیت روحانیت و ساحت حضرت امام خمینی قدس سره تجلیل نمودند... واکنش این مجموعه باعث آگاهی بیش تر مردم گردید و زمینه را برای حمله اساسی و عمومی به ارکان رژیم آماده ساخت. (۶۲) همچنین حوزه علمیه قم با صدور اعلامیه ای شدیدالحن، کشتار مردم را محکوم کرد. (۶۳)

### ب. واکنش امام خمینی (ره)

«آن زمان امام خمینی در نجف بود... هدایت جنبش با اعلامیه هایی بود که امام خمینی از نجف صادر می کردند. به همین دلیل، دولت ایران بر دولت عراق فشار آورد...» (۶۴)

«موضعگیری حضرت امام با تأخیر صورت پذیرفت؛ زیرا اولاً امام نسبت به وقایع و مسائل مربوط به نهضت اسلامی دقت زیادی می کردند و تا روشن شدن اصل قضیه و ماهیت واقعی آن از هرگونه اظهار نظری خودداری می نمودند و ثانیاً در این ایام رژیم شاه کوشش های زیادی می کرد تا خطوط ارتباطی با نجف (مقر امام) قطع شود تا ایشان از وضعیت ایران بی خبر بماند. از این رو، اولین واکنش امام به آخرین روزهای دی ماه ۵۶ باز می گردد... امام به محض دریافت گزارش کشتار ۱۹ دی قم، در نطق کوبنده اش، ضمن تسلیت به مردم ایران، با اشاره به سفر کارتر به ایران، به تشریح جنایات سلطنت غیر قانونی پهلوی پرداختند... و از مردم ایران خواستند از تفرقه بپرهیزند. علاوه بر این، امام در پیغامی به ملت ایران به مناسبت کشتار وحشیانه مردم قم در ۱۹ دی ۵۶، رژیم شاه و آمریکا را به شدت مورد حمله قرار می دهد و به ملت شریف ایران مؤذنه سقوط رژیم را می دهند... همچنین ایشان کلاس های درس خود را به مدت یک هفته تعطیل نمودند... و مهم تر این که، فریضه مهم

و اساسی «نماز جماعت» را تعطیل می کند تا به رژیم بفهماند که قضیه، مهم و اساسی است... واکنش بعدی امام به سخنرانی ایشان به مناسبت اربعین شهدای قم مربوط می شود که در آن شدیداً به دولت های آمریکا، انگلیس و دیگر دولی که اعلامیه حقوق بشر را امضا نموده اند، ولی اینک از شاه و جنایات او حمایت می کنند، حمله می نمایند» (۶۵)

### ج. واکنش دانشگاهیان و دانشجویان

«اعتراض دانشجویان و دانشگاهیان تشدید شد و رژیم هم دانشگاهها را تعطیل نمود...» (۶۶) «نقش بنیادی دانشگاهیان (اساتید مبارز و انقلابی) و دانشجویان (انجمنهای اسلامی مختلف سراسر کشور و خارج از ایران) به هیچ وجه قابل انکار نیست. خطاب امام خمینی رحمه الله علیه در طول نهضت هم به روحانی بوده است هم به دانشگاهی و هم به بازاری و مردم عادی. هیچ گاه امام از این سه قشر که با اتحاد و ائتلاف خود انقلاب اسلامی را به مرحله کمال و بسیج هماهنگی رساندند به تنهایی یاد نمی کند. دانشجویان و دانشگاهیان علاوه بر شرکت مستقیم در قیام ۱۹ دی، به سرکوب قیام اعتراض کردند و دانشگاه های مختلف تهران و شهرستانهای مهم کشور را به مرکز قیام و مبارزه تبدیل نمودند.» (۶۷)

### د. واکنش دولت و رژیم پهلوی

«اولین واکنش رژیم سرکوب و کشتار مردم بوده است... واکنش بعدی رژیم در برابر قیام ۱۹ دی، بیش تر حالت تبلیغات روانی و تخریب اذهان داشت؛ یعنی تلاش کرد تا رابطه مستقیم میان مقاله اهانت آمیز ۱۷ دی با قیام ۱۹ دی را مخدوش کند. سعی رژیم این شد تا وانمود کند که مردم قم مخالف تمدن و توسعه و پیشرفت های اساسی هستند؛ چرا که همه ساله در ۱۷ دی، سالروز اعلان کشف حجاب توسط رضاخان را جشن می گرفتند و ۱۹ دی نیز مصادف با اعلام رسمی برنامه های اصلاحات ارضی محمد رضا بود...» (۶۸)

رژیم پهلوی بعد از واقعه خونین ۱۹ دی، عده ای از کارمندان و اعضای حزب رستاخیز را جمع آوری و با به راه انداختن تظاهراتی نمایشی سعی کرد وانمود کند که روشنفکران ایران، «شورش مرتجعین قم» را محکوم می کنند. تظاهر کنندگان قلبی، صبح روز ۲۳ دی ماه ۱۳۵۶ سوار بر اتوبوس ها راهی قم شدند و طی یک راهپیمایی به حمایت از شاه پرداخته، «جاوید شاه» گویان به سمت حرم حرکت کردند. (۶۹)

«در روز ۲۴ دیماه، یعنی یک هفته بعد از چاپ مقاله موهن، مقاله ای دیگر در همان زمینه، منتهی با لحن نرم تری، با نام مستعار «حسن معینی فر» در روزنامه کیهان نیز، تحت عنوان آگاهی ملی سدی در مقابل استعمار چاپ شد که یک جمله آن چنین است... چون تلاش های استعمار عقیم ماند، بنا به طبیعتش، دست به دامن حيله ای دیگر گرفت تا همچنان چنگ در منابع ملی ما داشته باشد... (۷۰) رژیم شاه راهپیمایی عده ای «رستاخیزی» را نشان دهنده آگاهی ملی می داند و از راهپیمایی مردم قم در روز ۱۹ دی به عنوان تلاش استعمار نام می برد.

اقدام بعدی رژیم تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی قم بود. به موجب تشکیل این کمیسیون، تصمیم گرفته شد تا کسانی که نقش اساسی در قیام ایفا کردند به شهرهای دور تبعید شوند و رژیم این تصمیم را عملی نمود؛ چرا که از حضور این افراد در جمع مردم به شدت وحشت داشت و از برگزاری مجالس یاد بود در شهرهای مختلف جلوگیری نمود.

عکس العمل دیگر رژیم به منظور انحراف افکار عمومی از رهبری امام قدس سره، اجازه دادن فعالیت به برخی از گروه های موافق سلطنت بود که خواهان اصلاحات جزئی بودند. در همین دوران، اعلام موجودیت کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر در

شمار اخبار جالب توجه است. نماینده هیئت اجرائیه این کمیته با دعوت از خبرگزاری های معتبر جهان، به طور رسمی موجودیت این کمیته را اعلام کرد. (۷۱)

ترتیب دادن سلسله جلسات، میتینگ ها و تظاهرات «رستاخیزی» در شهرهای مختلف از جمله قم، تهران، تبریز، آبادان، اهواز، خرمشهر، یزد، تفرش و سنندج از اقدامات و واکنش های بعدی رژیم بود. (۷۲)

## ۵. واکنش بازاریان

واکنش بازاریان در برابر رژیم، برخاسته از دو عامل بود: ۱. آنان در برگزاری مخالفت ها و اعتراضات مردمی نقش مستقیم داشتند. ۲. آنان نسبت به احکام صادره از سوی مراجع و روحانیت احساس مسئولیت می کردند. از این رو، واکنش این گروه، در راستای تحقق اهداف قیام و محکومیت رژیم ضد اسلامی صورت پذیرفته است.

## و. واکنش گروه های سیاسی

گروه های مذهبی مرتبط و پیوسته با روحانیت و گروه های ملی - مذهبی که دارای مشی جداگانه از روحانیت بودند و گروه های ملی که در چهارچوب قانون اساسی فعالیت و مبارزه می کردند، به روش های مختلف، کشتار بی رحمانه مردم قم را محکوم ساختند.

مهم ترین واکنش های گروه های سیاسی عبارتند از:

۱. اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۱ با صدور اعلامیه ای، مقاله اهانت آمیز روزنامه اطلاعات و کشتار وحشیانه مردم قم توسط رژیم شاه را محکوم نمود و روزنامه هایی که وقایع مهم قم را وارونه جلوه دادند تقبیح کرد.

۲. جنبش مسلمانان مبارز در بیانیه ای، کشتار مردم قم را محکوم ساخت

۳. حزب زحمتکشان ملت ایران در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۸ در نامه ای مفصل خطاب به دادستان کل کشور (فالح رستگار) نسبت به قانون شکنی های دولت معترض شد.

۴. نهضت آزادی خارج از کشور در اطلاعیه ای، اقدام رژیم را محکوم و از قیام مردم قم تجلیل نمود... همچنین این گروه، همراه روحانیت و مراجع، برگزاری عید در سال جدید (۱۳۵۷) را تحریم کرد.

۲. فراگیر شدن نهضت اسلامی

«با قیام ۱۹ دی، نهضت پیش از پیش مردمی گردید و این حادثه برای مسلمانان مبارز در حکم نیشتری بود که به یک زخم چرکین چند ساله وارد آمد و مردم با چند بار تکرار شعار «مرگ بر شاه» در آن روز، ناگهان احساس کردند که روح تازه ای یافته اند و از چنان جرأت و جسارتی برخوردارند که اگر همتی بکنند می توانند تمام نیروهای مردمی در سراسر کشور را بسیج نموده و قیام هایی گسترده تر به راه اندازند تا به مرور به هدف نهایی خویش، یعنی به هم پیچیدن طومار حکومت خودکامه شاه نائل شوند.» (۷۳)

«قیام ۱۹ دی خود حاکی از مردمی بودن نهضت بود؛ اما این قیام، نهضت را «مردمی تر» کرد، ابعاد نهضت را تعمیم بخشید، دامنه نهضت را بسط داد و دایره انقلاب را وسعت بخشید و حلقه های متصله را به هم جوش داد» (۷۴)

«یک رسم مذهبی سبب شد تا در چهلیم این حادثه، شورش در شهرهای دیگر اوج بگیرد... در بیش تر روزها، کسانی در شهرهای مختلف کشته می شدند، اما نه تنها سبب توقف جنبش نمی شد، بلکه بر سرعت آن می افزود...»

بنا به اذعان بسیاری از صاحب نظران، این واقعه تظاهرات اعتراض آمیز دیگری را به دنبال داشت که به تدریج چون موجی به دنبال یکدیگر آمد و سرانجام رژیم سلطنتی ایران را روفت و از میان برداشت.

این روحیه (انقلابی مردم ایران) هر چند تا قبل از قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم در میان بخشی از روحانیون و تعدادی از روشنفکران وجود داشت، اما عامه مردم و به ویژه تا زمان برگزاری مراسم چهلیم شهدای قم که در تبریز - ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ - در سطح گسترده ای به وقوع پیوست، از آن برخوردار نبودند. روحیه انقلابی مردم بر مردمی بودن نهضت افزود.»

باری رویین به تسلسل چهلیم ها چنین اشاره می کند: «این واقعه سر آغاز تظاهراتی بود که هر چهل روز یکبار به رسم شیعیان برای یاد بود شهدای تظاهرات قبل برپا می شد و هر بار با کشته شدن عده دیگری مراسم یادبود آنها در چهل روز بعد حوادث تازه ای پدید می آورد... در فاصله هر چهل روز، آرامش نسبی اوضاع، این امید را در واشنگتن به وجود می آورد که شاه کنترل را در دست گرفته است...» (۷۵)

سایروس ونس در این مورد چنین می گوید: «همه اعمال قدرت و خشونت پلیس شاه در تظاهرات نخستین که موجب کشته شدن عده ای از تظاهر کنندگان شد، حربه مناسبی به دست مخالفان مذهبی شاه داد تا هر چهل روز یک بار به رسم شیعیان تظاهراتی به یاد بود شهیدان خود به راه بیاورند. واکنش پلیس و کشته شدن جمعی دیگر در این مراسم، بهانه تظاهرات دیگری را در چهل روز بعد فراهم می ساخت و هریک از این تظاهرات نسبت به دفعه قبل، وسیع تر و خشونت آمیز تر بود؛ به طوری که من در روز دهم مه، گزارشی برای پرزیدنت کارتر فرستادم و طی آن نوشتیم: فعالیت ها و حرکاتی که علیه شاه در ایران آغاز شده، جدی ترین نوع آن از ۱۹۶۳ به این طرف است. شاه در تلاش خود برای کنترل اوضاع، با وضع دشواری روبه رو شده بود. هرچه خشونت پلیس و نیروهای انتظامی برای مقابله با تظاهرات بیش تر می شد، موج مخالفت ها قدرت بیش تری می یافت... منابع اطلاعاتی در آمریکا هنوز بر این عقیده بودند که تظاهرات مخالفت آمیز خطر فوری و جدی برای حکومت شاه به وجود نخواهد آورد، ولی همکاران مرد در وزارت امور خارجه معتقد بودند که اگر این تظاهرات تحت کنترل در نیاید در دراز مدت وضع خطرناکی در ایران بوجود خواهد آمد...» (۷۶)

### ۳. وحشت رژیم از انقلاب رو به گسترش و ناتوانی رژیم در کنترل آن

«تنها مخالفین مذهبی بودند که کمتر قابل کنترل و اداره و یا غیر قابل کنترل بودند. وحشت رژیم از همین جا ناشی می شد... شاه از محل پرتاب «موشک تهمت» (مقاله ۱۷ دی) آسیب دید. موج انفجار و خشم ملت، شاه را هراسان و منفعل گرداند. سرکوب خونین قیام ۱۹ دی ناشی از هراس و وحشت شاه بود...»

### ۴. آشکارشدن شعارهای دروغین حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی شاه

«معلوم گشت که کارتر نه تنها به شاه اعتراضی ندارد و او را در مورد عدم ایجاد فضای باز سیاسی و رعایت حقوق بشر (که نقض آن چندین بار توسط مجامع رسمی بین المللی اعلام شده بود) تحت فشار قرار نمی دهد و نکوهش نمی کند، بلکه با سفر به ایران، از وی شدیداً تجلیل و سپاسگزاری می کند...» (۷۷)

برژینسکی در کتاب «قدرت و اصول اخلاقی»، عدم برقراری و رعایت حقوق بشر در ایران را نتیجه ناتوانی شاه می داند و می نویسد: «با وجود این ما ضمن تشویق و ترغیب شاه برای حرکت به سوی استقرار یک حکومت منبعث از مردم (استقرار دموکراسی و فضای باز سیاسی)، دستورالعمل مشخص و برنامه حساب شده ای برای این کار نداشتیم و خود را موظف و مجاز به دخالت در جزئیات این امر نمی دانستیم، به هر حال وقتی که بحران آغاز شد، پیگیری این فکر از طرف ما به ناتوانی شاه در تشخیص اولویت ها انجامید و توصیه های بعدی ما را درباره اعمال قدرت جدی نگرفت.» (۷۸)

#### ۵. گسترش نفوذ و محبوبیت امام (قدس سره)

«نفوذ و اقتدار امام خمینی قدس سره ناشی از سه منشأ مشروعیت بود: یکی، مشروعیت کاریزماتیک با بهره های معنوی و عرفانی؛ دیگر، مشروعیت سنتی به لحاظ کسوت فقه و فقاقت و سوم، مشروعیت قانونی که به رابطه رهبر و ولی با مردم برمی گردد. ویژگی اصلی امام این بود که سخت به نظریه انقلاب و براندازی رژیم اعتقاد داشتند... نمی توان انکار کرد که دور افتادن امام از ایران - در حدود ۱۴ سال تبعید - باعث شد که مردم کمتر از نام «خمینی» اطلاع داشته باشند و این همان سیاستی بود که رژیم به دنبال آن بود. از طرفی، تبعید امام از ایران می توانست به میدان خودنمایی دیگران تبدیل شود؛ ولی چنین نشد...»

#### ۶. شکست متحجرین و مروجان نظریه جدایی دین از سیاست

«امام علاوه بر مبارزه سخت و جانکاه با رژیم، به مبارزه با مروجان جدایی دین از سیاست و مقدس مآبان درون حوزه نیز پرداختند... قیام ۱۹ دی کاری ترین ضربه را بر پیکر این جریان زد؛ زیرا این جریان در تلاش بود امام، محور امت قرار بگیرد، نام امام بر زبان ها جاری نشود؛ امام میدان دار نگردد. امام مرجع نشود و این که اگر امام از ایران دور باشد بهتر است...»

#### ۷. سرعت بخشیدن به روند انقلاب اسلامی

«هر چند در برهه ای از دوران ۱۴ ساله، به دلیل فشارها و سرکوب ها، این روند دچار آسیب ها گردید؛ اما هرگز متوقف نشد؛ حرکت ها کند شد، ولی هرگز متوقف نشد.»

به زعم ما، قیام ۱۹ دی، روند انقلاب را از کندی و تفرق به تشدید و تجمع رساند... به طور کلی، این قیام به چند دلیل در سرعت بخشیدن به روند انقلاب اسلامی تأثیر شگرف و عظیمی داشت: یکی این که سکوت را درهم شکست؛ دوم این که، باعث بسیج مردم شد؛ سوم این که، جرأت و شجاعت مبارزه علنی را دوجندان کرد و چهارم این که، تسلسل قیام ایجاد کرد. (۷۹)

در مجموع، مهم ترین نتایج این قیام را چنین می توان برشمرد:

۱. سازش شاه و کارتر و توخالی بودن شعار فضای باز سیاسی شاه را به مردمنشان داد.
۲. ثابت کرد که شاه از حرکت مذهبی - سیاسی به رهبری روحانیت و در رأس آنها امام خمینی قدس سره بیش از هر حرکت سیاسی دیگر وحشت دارد.
۳. آن چه را که این رژیم از آن وحشت داشت به تبع قیام ۱۹ دی به وقوع پیوست و حوزه های علمیه و روحانیت در خط امام قدس سره به حرکت در آمدند و زمینه ای فراهم گردید که نهضت در مسیر صحیح مبارزه قرار گیرد؛ به نحوی که حتی ترفندهای بعدی رژیم هم بی اثر شد.

۴. روشن شد که جریان حقوق بشر و فضای باز سیاسی، طبیعه ای برای میدان دادن به ملی گراها، لیبرال ها و... بوده و آمریکا و رژیم شاه عملاً در جذب مردم به سوی میانه روها موفقیتی نداشته و آنان هیچ پایگاهی در میان مردم ندارند.

۵. متحجرین حوزه ها و کسانی که مروج جدایی دین از سیاست بودند و همواره درس و بحث و فقه و اصول و... را به مبارزه با شاه ترجیح می دادند، شکست خوردند و مردم نیز فهمیدند که باید سراغ چه کسانی بروند.

۶. ماهیت رژیم ضد مردمی شاه را برای بسیاری آشکار کرد، از آن پس بود که شعار «مرگ بر شاه»، شعار اصلی و تکیه کلام توده های انقلابی شد.

۷. باعث تعمیق و مردمی شدن نهضت و شرکت توده های مذهبی، به ویژه جوانان، گردید.

۸. برخی از احزاب و جمعیت هایی که حرکت سیاسی خود را با اتکا به حقوق بشر کارتر و فضای باز سیاسی ایجاد شده توسط شاه در چارچوب قانون اساسی شکل داده بودند، به تدریج از مردم جدا شدند و به دامن آمریکا و غرب پناه بردند.

۹. با قیام قم، آهنگ حرکت انقلاب به صورت «استراتژی چهلیم ها» ی پشت سر هم با صورت و محتوای کاملاً اسلامی شتاب فزاینده و گسترده تری به خود گرفت و رهبری امام خمینی قدس سره به عنوان نقش اصلی مبارزه با رژیم شاه ظاهر شد. (۸۰)

«این نکته مهم را هم نباید فراموش نمود که تقریباً ۹۰ درصد از مردم ایران از پیروان مذهب شیعه اثنی عشری اسلامی هستند. این مذهب از سال ۱۵۰۲ تا حال، مذهب رسمی ایران بوده است و از این لحاظ ایران را از کشورهای عرب در جنوب و غرب ایران و افغانستان و پاکستان در شرق کشور جدا می سازد. مسلمانان شیعه مذهب، برعکس سنی ها، هرگز فرمانروای دنیوی وقت را به منزله جانشین پیغمبر به رسمیت نشناخته اند.» (۸۱)

مردم ایران، مردمی هستند که در طول تاریخ هیچ گاه در برابر ظلم تسلیم نشدند. روح رشادت و دلیری در بین تک تک ایرانیان وجود دارد. مهم ترین نتیجه قیام ۱۹ دی این بود که بعد از یک سال، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید؛ انقلابی که پدیده ای منحصر به فرد در جهان به حساب می آید و همه کسانی که با انقلاب اسلامی ایران آشنا هستند، بر این امر اذعان دارند.

ضمایم

مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه، نوشته احمد رشیدی مطلق تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۱۷

این روزها به مناسبت ماه محرم و عاشورای حسینی، بار دیگر اذهان متوجه استعمار سیاه و سرخ و به عبارت دیگر، اتحاد استعمار کهن و نو شده است. استعمار سرخ و سیاهش، کهنه و نویش روح تجاوز و تسلط و چپاول دارد و با این که خصوصیات ذاتی آنها همانند است، خیلی کم اتفاق افتاده است که این دو استعمار شناخته شده تاریخ با یکدیگر همکاری نمایند، مگر در موارد خاص که یکی از آنها همکاری نزدیک، صمیمانه و صادقانه هر دو استعمار در برابر انقلاب ایران، به خصوص برنامه مترقی اصلاحات ارضی در ایران است.

در آغاز انقلاب شاه و ملت، در روز ۶ بهمن ۲۵۲۱ شاهنشاهی، استعمار سرخ و سیاه ایران را که ظاهراً هر کدام در کشور ما برنامه و نقشه خاصی داشته است، با یکدیگر متحد ساخت که مظهر این همکاری همانند بلوای روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ماه



۲۵۲۲ در تهران آشکار شد. پس از بلوای... (۱۵) خرداد که به منظور متوقف ساختن و ناکام ماندن انقلاب درخشان شاه و ملت پی ریزی شده بود، ابتدا کسانی که واقعه را مطالعه می کردند دچار یک نوع سردرگمی عجیبی شده بودند؛ زیرا در یک جا ردپای استعمار سیاه و در جای دیگر اثر انگشت استعمار سرخ دیده می شد. از یک سو، عوامل توده ای که با اجرای برنامه اصلاحات ارضی، همه امیدهای خود را برای فریفتن دهقانان و ساختن انجمن های دهقانی نقش بر آب می دیدند و در برابر انقلاب دست به آشوب زدند و از سوی دیگر مالکان بزرگ که سالیان دراز میلیون ها دهقان ایرانی را غارت کرده بودند؛ به امید شکستن این برنامه و رجعت به وضع سابق دست و پول در دست عوامل توده ای و ورشکستگان دیگر سیاسی گزارده بودند. جالب این که، این دفعه این افراد به وسیله ای می خواهند جلوی حرکت بزرگ انقلاب شاه و ملت را بگیرند و اراضی واگذار شده به دهقانان را از دست آنان خارج سازند و دست به دامن عالم روحانیت زدند، زیرا می پنداشتند که مخالفت عالم روحانیت که در جامعه ایران از احترام خاص برخوردار است، می تواند تنها برنامه انقلاب را دچار مشکل سازند؛ بلکه همان طور که یکی از مالکان بزرگ تصور کرده بود، دهقانان زمین ها را به عنوان زمین غصبی پس بدهند؛ ولی عالم روحانیت هوشیارتر از آن بود که علیه انقلاب شاه و ملت که منطبق با اصول و تعالیم اسلامی و همین طور اجرای عدالت و از بین بردن استثمار فرد از فرد توسط رهبر انقلاب ایران (شاه) طراحی شده بود، برخیزد. مالکانی که برای ادامه تسلط خود همواره از ژاندارم تا وزیر، از روضه خوان تا چاقو کش را در اختیار داشتند، وقتی با عدم توجه عالم روحانیت و در نتیجه، مشکل ایجاد موج علیه انقلاب روبه رو شدند و روحانیون درجه ۳ حاضر به همکاری با آنان شدند...

در ادامه این نامه نویسنده با توهیناتی سراسر دروغ و بی شرمانه و ناجوانمردانه حضرت امام را مورد هدف قرار می دهد که از بیان آن معذوریم.

متن اعلامیه حوزه علمیه قم درباره جنایات رژیم شاه در ۱۹ دی تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون

هیئت حاکمه جبار برای هدم اسلام و مسلمین و کوبیدن حوزه های علمیه، هر روز به نقشی دست می زند و به ایجاد محیط وحشت و خفقان قناعت نکرده و مستقیماً دست به کشتار مردم و طلاب بی پناه حوزه علمیه قم زده است و حتی از تحویل دادن جنازه ها خودداری کرده و نیمه شب مقدار زیادی از اجساد را به دریاچه قم ریخته است. مگر این مظلومین چه می خواستند و چه می گفتند؟ ملت مسلمان ایران ببینند که دستگاه جبار با این جوان ها که لباب عمر خود را وقف اسلام و مسلمین کرده اند چه می کند. دیشب به انبوه مردمی که برای دادن خون به زخمی ها مراجعه می کردند، می گفتند خون قبول نمی کنیم؛ آری باید نیمه جان ها بمیرند!

عده ای بسیار از مردم بی پناه در خیابان چهارمردان را که به عنوان اعتراض به این دیکتاتوری و آدم کشی تجمع کرده بودند به رگبار گلوله ها بستند؛ حتی بچه های خرد سال را که از مدرسه به خانه های خود می رفتند، کشتند. برادران ایمانی کاش می دیدند که چگونه بچه های کوچک ما را با باتوم می زدند و بر زمین می انداختند، تا سر حد مرگ کتک می زدند و حتی زنانی را که به اعمال جلادانه و وحشیانه اعتراض می کردند، مضروب می نمودند و لابد این را دمکراسی می نامند و عجب این است که شاه جنایتکار باز هم دم از اسلام می زند و علامت دشمنی با اساس اسلام، جز از بین بردن مرکز نفوس پرور معارف

اسلام است؟ جز تفسیر تاریخ اسلامی و هدم نام پیامبر خداست؟ جز توهین به مراجع مسلم تقلید است؟ جز هتک حرمت بزرگترین مرجع اسلامی و امید آزادیخواهان مسلمان جهان، حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی است؟

برادران مسلمان، آگاه باشید که اینها تلاشهای مذبحخانه دشمن است، گرچه او تصور می کند چون موفق به تثبیت نوکری خود در برابر آمریکا شده، موفق به هر جنایتی است؛ ولی بداند در مقابل قیام و انقلاب ملت شکست خواهد خورد. پیروزی با ما است. «ان موعدهم الصبح البس الصبح بقریب»

منابع

۱. تئوریهای انقلاب، الوین کوهن، استانفورد، ترجمه علیرضا طیب، قومس، تهران، ۱۳۷۷.
۲. ایران و تاریخ، بهرام افراسیابی، بی جا، علم، ۱۳۶۷.
۳. تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، عمادالدین باقی، رامین، تهران، ۱۳۷۸.
۴. روزها و رویدادها، علی بری دیزجی، و دیگران، ج ۳، تهران، رامین، ۱۳۷۸.
۵. انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشیریه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۶. از سید ضیاء تا بختیار، مسعود بهنود، تهران، جاویدان، ۱۳۷۴.
۷. غرور و سقوط، پارسونز، آنتونی، ترجمه منوچهر راستین، تهران، هفته، ۱۳۶۳.
۸. پاسخ به تاریخ، محمدرضا پهلوی، ترجمه شهریار ماکان، بی جا، شهر آب، ۱۳۷۱.
۹. بحران، جردن، هامیلتون، ترجمه محمود مشرقی، تهران، هفته، ۱۳۶۲.
۱۰. مقالات تاریخی، رسول جعفریان، ج ۴، قم، دلیل، ۱۳۷۹.
۱۱. روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۳۶۶، ۱۸/۱۰/۱۳۶۶.
۱۲. روز شمار انقلاب اسلامی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۳. ساواک و روحانیت، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۴. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۵. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۶. جنگ قدرت ها در ایران، باری روبین، ترجمه محمود مشرقی، تهران، آشتیانی، ۱۳۶۳.
۱۷. شکست شاهانه، ماروین زونیس، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۰.
۱۸. مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، صادق زیبا کلام، تهران، روزنه، ۱۳۷۲.

۱۹. آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۰.
۲۰. جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، طالبی دارابی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۲۱. پدر و پسر، محمود طلوعی، تهران، علم، ۱۳۷۲.
۲۲. داستان انقلاب، محمود طلوعی، تهران، علم، ۱۳۷۱.
۲۳. انقلاب اسلامی و ریشه های آن، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، کتاب سیاسی، ۱۳۶۷.
۲۴. انقلاب اسلامی و ساماندهی اجتماعی، جلال الدین فارسی، تهران، سوره، ۱۳۷۷.
۲۵. نهضت امام و مطبوعات رژیم شاه، طهمورث قاسمی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۲۶. رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا، جمیله کدیور، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
۲۷. ریشه های انقلاب ایران، کدی، نیکی. آر. ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قم، ۱۳۷۷.
۲۸. هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، غلامرضا کرباسچی و دیگران، ج ۲، بی جا، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۹. روزنامه کیهان، شماره ۱۱۴۸۰، ۱۳۶۰/۱۰/۲۰.
۳۰. سیاست خارجی آمریکا و شاه، مارک ج. گازیوروسکی، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، مرکز، ۱۳۷۱.
۳۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، سید جلال الدین مدنی، ج ۲، قم، اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۲. داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، مرکز اسناد وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.
۳۳. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، قم، صدرا، ۱۳۷۷.
۳۴. انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، مصطفی ملکوتیان و دیگران، قم، معارف، ۱۳۸۰.
۳۵. سیر تکوینی انقلاب اسلامی، جواد منصوری، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
۳۶. کوثر، موسسه تنظیم و نشر امام خمینی، ج ۱، بی جا، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱.
۳۷. فصلنامه ۱۵ خرداد (قیام نوزده دی)، مهناز میزبانی، بی جا، بی نا، ۱۳۷۶.
۳۸. توطئه در ایران، ونس، سایروس و برژینسکی، ترجمه محمود مشرقی، تهران، هفته، ۱۳۶۲.
۳۹. دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، فرد هالیدی، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.

پی نوشت:

- ۱) لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، ج ۳، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲) انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، مصطفی ملکوتیان و دیگران، معارف، قم، ۱۳۸۰، ص ۱۳.
- ۳) پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، صدرا، قم، ۱۳۷۷، ص ۳۵.
- ۴) تنوریهای انقلاب، آوین کوهن استانفورد، ترجمه علیرضا طیب، تهران، قومس، ۱۳۷۷، ص ۲۱.
- ۵) انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشریه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۳.
- ۶) انقلاب اسلامی و ریشه های آن، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، کتاب سیاسی، ۱۳۶۷، ص ۱۴.
- ۷) پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۳۴ - ۳۱.
- ۸) انقلاب اسلامی و ساماندهی اجتماعی، جلال الدین فارسی، تهران، سوره، ۱۳۷۷، ص ۲۴.
- ۹) پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۴۰.
- ۱۰) انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص ۲۲ - ۲۱.
- ۱۱) انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ص ۱۹.
- ۱۲) مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، صادق زیبا کلام، روزنه، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.
- ۱۳) انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ص ۹۰.
- ۱۴) رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا، جمیله کدیور، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴، ص ۶۸.
- ۱۵) پاسخ به تاریخ، محمد رضا پهلوی، ترجمه شهپریار ماکان، شهرآب، بی جا، ۱۳۷۱، ص ۳۶۶ - ۳۶۵.
- ۱۶) داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۵.
- ۱۷) به ضمیمه مقاله رجوع شود.
- ۱۸) داستان انقلاب، محمود طلوعی، تهران، علم، ۱۳۷۱، ص ۲۸۶.
- ۱۹) داستان انقلاب، ص ۲۸۶.
- ۲۰) تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، عمادالدین باقی، تهران، تفکر، ۱۳۷۳، ص ۲۶۸ - ۲۶۵.
- ۲۱) غرور و سقوط، آنتونی پارسونز، ترجمه منوچهر راستین، تهران، هفته، ۱۳۶۳، ص ۹۹.
- ۲۲) ریشه های انقلاب ایران، نیکی. آر. کدی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷.
- ۲۳) سیر تکوینی انقلاب اسلامی، جواد منصوری، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۳۱۱، ۳۱۰.

- (۲۴) جنگ قدرت ها در ایران، باری روبین، ترجمه محمود مشرقی، تهران، آشتیانی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۹.
- (۲۵) سیاست خارجی آمریکا و شاه، مارک. ج. گازیوروسکی، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، مرکز، ۱۳۷۱، ص ۳۵۹.
- (۲۶) مأموریت در ایران، ویلیام سولیوان، ترجمه محمود مشرقی، تهران، هفته، ۱۳۶۱، ص ۹۹.
- (۲۷) روزها و رویدادها، علی بری دیزجی و دیگران، ج ۳، تهران، رامین، ۱۳۷۸، ص ۳۶۷.
- (۲۸) ریشه های انقلاب ایران، ص ۳۷۵.
- (۲۹) نهضت امام و مطبوعات رژیم شاه، طهمورث قاسمی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۹۲.
- (۳۰) بحران، هامیلتون جردن، ترجمه محمود مشرقی، تهران، هفته، ۱۳۶۲، ص ۶۹ - ۶۸.
- (۳۱) شکست شاهانه، ماروین زونیس، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو، ۱۳۷۰، ص ۲۰۰ - ۱۹۹.
- (۳۲) توطئه در ایران، سایروس ونس، زیگنیو برزینسکی، ترجمه محمود مشرقی، تهران، هفته، ۱۳۶۲، ص ۱۵ - ۱۴.
- (۳۳) همان، ص ۲۰.
- (۳۴) آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۰، ص ۱۵.
- (۳۵) غرور و سقوط، ص ۹۹ - ۹۸.
- (۳۶) نهضت روحانیون ایران، ج ۷، ص ۳۱۱.
- (۳۷) سیرتکوینی انقلاب اسلامی، ص ۳۱۱.
- (۳۸) هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، غلام رضا کرباسچی و دیگران، ج ۲، بی جا، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۷۷۹.
- (۳۹) همان ص ۷۸۵.
- (۴۰) نهضت روحانیون ایران، ج ۷، ص ۲۶.
- (۴۱) روزها و رویدادها، ج ۳، ص ۳۶۸.
- (۴۲) نهضت روحانیون ایران، ج ۷، ص ۲۷.
- (۴۳) همان.
- (۴۴) ایران و تاریخ، بهرام افراسیابی، بی جا، علم، ۱۳۶۷، ص ۵۱۷ - ۵۱۶.
- (۴۵) جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، ابراهیم طالبی دارابی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۱ - ۳۷.
- (۴۶) از سید ضیا تا بختیار، مسعود بهنود، تهران، جاویدان، ۱۳۷۴، ص ۷۴۱.

- (۴۷) روز شمار انقلاب اسلامی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۴۳۲.
- (۴۸) ساواک و روحانیت، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران، سوره، ۱۳۷۵، ص ۲۰۷.
- (۴۹) جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، ص ۸۱.
- (۵۰) روز شمار انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۴۴۲.
- (۵۱) همان، ص ۴۴۳.
- (۵۲) کوثر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، بی جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۹.
- (۵۳) تاریخ سیاسی معاصر ایران، سید جلال الدین مدنی، ج ۲، قم، اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۴.
- (۵۴) روز شمار انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۴۴۴.
- (۵۵) تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۳۲۶.
- (۵۶) سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۳۵۹.
- (۵۷) ریشه های انقلاب ایران، ص ۳۵۸.
- (۵۸) ماموریت در ایران، ص ۹۹.
- (۵۹) پاسخ به تاریخ، ص ۳۶۳.
- (۶۰) روزنامه کیهان، ۶۵/۱۲/۱۰، شماره ۱۲۹۷۴، ص ۱۱.
- (۶۱) هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ص ۷۸۰.
- (۶۲) جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، ص ۹۵ - ۹۲.
- (۶۳) ر.ک: ضمیمه مقاله.
- (۶۴) مقالات تاریخی، رسول جعفریان، ج ۴، قم، دلیل، ۱۳۷۹، ص ۳۵۴.
- (۶۵) جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، ص ۹۷ - ۹۵.
- (۶۶) نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه، طهمورث قاسمی، تهران، مرکز اسناد انقلاب، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰.
- (۶۷) همان، ص ۱۰۰.
- (۶۸) جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، ص ۱۰۴.
- (۶۹) روزها و رویدادها، ج ۳، ص ۳۷۱.
- (۷۰) نهضت روحانیون ایران، ج ۷، ص ۲۶.



- (۷۱) روزها و رویدادها، ج ۳، ص ۳۷۱.
- (۷۲) داستان انقلاب، ص ۲۹۲.
- (۷۳) جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، ص ۹۸.
- (۷۴) همان، ص ۱۲۲.
- (۷۵) جنگ قدرتها در ایران، ص ۱۴۹.
- (۷۶) توطئه در ایران، ص ۲۲ - ۲۳.
- (۷۷) جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، ص ۱۱۷ - ۱۱۵.
- (۷۸) توطئه در ایران، ص ۱۰۶.
- (۷۹) جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی، ص ۱۲۰ - ۱۱۱.
- (۸۰) روزها و رویدادها، ج ۳، ص ۳۷۲ - ۳۷۱.
- (۸۱) دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، فرد هالیدی، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۲۲۷.

\*\*\* گروه سیاسی اجتماعی

معاونت تهذیب حوزه های علمیه